

روش هلموت ریتز در تصحیح متون فارسی

سید پدram رسولی، کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه تهران

pedramrasouli@gmail.com

چکیده

تصحیح انتقادی متون، از حدود یک قرن پیش تا کنون یکی از گسترده‌ترین حوزه‌های پژوهشی در فرهنگ ایران بوده است که به احیای مکتوبات، خاصه دستنویس‌های کهن، می‌پردازد. با توجه به کثرت نسخه‌های خطی در این جغرافیای فرهنگی، بایسته است که مبانی نظری و کلیات فن تصحیح انتقادی متون، به صورت عینی بررسی و به صورت علمی تدوین شود. یکی از گام‌های مؤثر در این راه، بررسی روش تصحیح محققان طراز اولی است که آثاری موفق در این زمینه بر جای نهاده‌اند. در این نوشتار به صورت نمونه‌ای، روش تصحیح مستشرق آلمانی، هلموت ریتز، بر اساس دو نمونه از آثار او در حوزه ک نظم و نشر فارسی، بررسی گردیده و ویژگی‌های روش او بیان شده است. با نشان دادن نقاط ضعف و قوت نسبی هر بخش از روش ریتز، سرانجام نتایجی مُعین درباره رویکرد منطقی و منسجم او تصحیح به دست خواهد آمد که می‌تواند برای احیا و نشر دستنویس‌های کهن، مفید واقع گردد.

واژگان کلیدی: تصحیح متن، روش تصحیح، هلموت ریتز، الهی نامه، سوانح

مقدمه

یکی از دغدغه‌های همیشگی اهالی دانش، میزان اعتبار مکتوباتی است که به عنوان منبع و مَحَل علم، سازنده تاریخ تمدن بشر بوده‌اند. با توجه به انواع تحریفات و گشتگی‌های پیش آمده در مکتوبات، ضرورت به کارگیری فن «تصحیح متن» از دیرباز، شناخته شده بوده و در گستره‌ای از زمان (از دو سه قرن پیش از میلاد تا به امروز) روی به تکامل نهاده است. هر چند سرآغاز این فن را اعصار باستانی فرهنگ یونانی دانسته (زرین کوب، ۱۳۶۱: ۹۴/۱) یا ردی از آن در سده‌های پس از اسلام در جغرافیای فرهنگی مسلمین جسته‌اند^۱ (امیدسالار، ۱۳۸۵: ۱۸) اما در این موضوع، نباید نقش تحول همه جانبه دیدگاه بشر، از قرون شانزدهم و هفدهم میلادی به این سو، که موجب تبیین نظری مفهوم علم (*Science*) شده، نادیده گرفته شود. این تحول، در زمینه تصحیح متون، «انتقادی» بودن را به این فن افزوده است و موجب شده است که امروزه روش مقبول و اطمینان بخش احیای تراث و نوشته‌های کهن، «تصحیح انتقادی متون» خوانده شود.

تصحیح انتقادی متن را می‌توان چنین تعریف کرد: به کارگیری روشمند و مخاطب‌محور مجموعه‌ای از لوازم منطقی، برای دستیابی یا نزدیک شدن به صورتی از یک متن که مورد نظر پدیدآورنده آن بوده است. این تعریف علاوه بر اشمال بر تعاریف دیگر تصحیح انتقادی متن، بیان می‌دارد که تمام اقدامات مصحح می‌بایست به پیروی از

^۱ برای آگاهی از تاریخچه تصحیح متن در غرب به پایان نامه نگارنده، و برای آگاهی از سیر تصحیح متن در شرق به رساله دکتری مصطفی مجرد با عنوان «سنت تصحیح متن در ایران پس از اسلام» به راهنمایی دکتر محمدجعفر یاحقی رجوع کنید. (نشر هرمس این رساله را در قالب کتابی با همین عنوان چاپ کرده است)

روشی مُدوّن باشد که در معرض نقد مخاطبان است و همچنین محدودیت نظری مشخصی برای به کارگیری روش - های منطقی در جهت دستیابی به هدفِ تصحیحِ متن، وجود ندارد (رسولی، ۱۳۹۶: ۲۵). بررسی طبقه بندی شده^۴ آثار مصحّحی که مورد اقبال اهل علم بوده و با پیشرفتِ تحقیقاتِ بعدی، روشمندی علمی آنان نمایان‌تر گشته است، می‌تواند به تدوین یک راهنمای عمومی برای تصحیحِ متون مشابه آن آثار، کمک کند؛ به گونه‌ای که مصحّحان بعدی بر اساسِ مبنایی عینی و برخاسته از تجربیاتِ دانشمندانِ پیشین، در انتخابِ روشِ تصحیح، دسته بندی نسخه‌ها، شناختنِ مواضعِ خطبَرِ تصحیحِ متن، تدوینِ ملحقات و مقدمه‌ها، و نکاتی از این دست، مرجعی درخورِ اطمینان پیش چشم داشته باشند.

مقارن دوره‌ای که کسانی چون ژوکوفسکی، براون، نیکولسن به تصحیحِ متون فارسی می‌پرداختند و اندکی پس از آن دوران، یکی از مستشرقان آلمانی که به تصحیحِ متونی چند از ادبیات فارسی اقدام کرد دکتر هلموت ریتز (Hellmut Ritter) (۱۸۹۲-۱۹۷۱) بود. به نقل از فریتس مایر (مایر، ۱۳۸۲: ۵۰-۵۳) تنی چند از اعضای خانواده^۵ او روحانی و عالم بودند. ریتز پس از دوره^۶ دبیرستان، تحصیلات خود را نزد استادانی چون کارل بروکلیمان، کارل هاینریش بکر، و تئودور نولدکه ادامه داد و در سال ۱۹۱۷ به اخذ درجه^۷ دکتری نائل آمد. به جز تحصیل و تدریس در آلمان، او در مدت حضورش در ارتش به عنوان مترجم، به عراق و فلسطین سفر کرد و چندی بعد نیز در دانشگاه استانبول به تدریس فارسی و عربی پرداخت. از مهم‌ترین خدمات او گردآوری و تهیه^۸ فهرستِ نُسخِ خطی دیوان - های شاعران پارسی گوی موجود در کتابخانه^۹ ملی استانبول است. شاید آشناترین ثمره^{۱۰} این بخش از حیات علمی ریتز برای ایرانیان، کشف نسخه‌ای ارزشمند از مثنوی مولانا، مشهور به نسخه^{۱۱} قونیه باشد که پس از ارائه به نیکولسن (R. A. Nicholson)، به اساس چاپ انتقادی او بدل شد.

در این نوشتار از میان آثار مصحّح ریتز دو متن نظم و نثر انتخاب شده است که هر دو از ادبیات عرفانی ایران هستند. نخستین اثر مورد بررسی، الهی‌نامه^{۱۲} عطار نیشابوری (۵۳۷-۶۲۷ هجری قمری) و دومین اثر، سوانح احمد غزالی (۴۵۲-۵۲۰ هجری قمری) است. با توجه به یکدست بودن تقریبی روش تصحیح ریتز، نتایج به دست آمده را عموماً و با دقتی قابل قبول می‌توان به عنوان روش کلی او در تصحیحِ متون دانست. برای حصول اطمینان هرچه بیشتر از نتایج پژوهش، حجم نمونه^{۱۳} مورد بررسی از هر متنِ مصحّح، بر اساس فرمول کوکران تعیین گردیده است و تنها زمانی از عدد به دست آمده از این فرمول چشم پوشی شده که اختلاف‌های معناداری در حجم کمتری از نمونه^{۱۴} آماری قابل مشاهده بوده است. برای تفکیکِ بهتر بررسی‌ها، هر کتاب به سه بخش تقسیم گردیده است: بخش پیشامتنی (عموماً مقدمه^{۱۵} اثر و بخشی از سازواره^{۱۶} انتقادی که به معرفی نسخه‌ها و رموز آنها اختصاص دارد)، متن اصلی، و بخش‌های پسامتنی (عموماً فهرس کتاب) که در این میان، متن اصلی و بخش پیشامتنی، بیشترین نکات مربوط به روش تصحیح را در بر دارند و بخش پسامتنی نیز بخش‌هایی از رویکردِ مصحّح را نسبت به تصحیحِ متن و چاپ انتقادی نمایان می‌سازد. برای حفظِ وحدتِ رویه در بخش‌های توصیفی نوشتار، بعضاً خصوصیات از «چاپ انتقادی» که با «تصحیح انتقادی» مرتبط بوده، بیان گردیده است.

برای آگاهی از پیشینه^{۱۷} پژوهش‌های مرتبط با تصحیحات الهی‌نامه، باید به بخش‌های پیشامتنی تصحیح دکتر شفیع کدکنی از الهی‌نامه رجوع کرد که در آنجا به صورت مجزا به چاپ ریتز هم پرداخته شده است (عطار نیشابوری، ۱۳۹۲: ۹۹-۱۰۸). درباره^{۱۸} سوانح غزالی و تصحیحات به عمل آمده از این اثر نیز می‌توان به مقدمه^{۱۹} دکتر پورجوادی (غزالی، ۱۳۵۹: شش-سیزده) و دکتر مجاهد (غزالی، ۱۳۹۴: ۹۶-۹۸) بر سوانح مراجعه کرد. درباره^{۲۰} شیوه^{۲۱} تدوین و استفاده از گزارش نسخه‌بدل‌ها به روش ریتز باید به مقاله‌ای مفید از محمد سوری اشاره کرد (سوری، ۱۳۸۹)، و پیشینه^{۲۲} بررسی‌های آماری و توصیفی-انتقادی مربوط به تصحیح متن را نیز می‌توان در پایان‌نامه^{۲۳} تحصیلی نگارنده و مقاله^{۲۴} «بررسی سه چاپ انتقادی تاریخ بیهقی با تمرکز بر مسائل مربوط به تصحیح متن» از همین قلم، جستجو کرد.

بررسی تصحیحات ریتز

۱. الهی نامه

الهی نامه^۱ عطار به تصحیح هلموت ریتز که نخستین تصحیح انتقادی متن الهی نامه محسوب می‌شود به سال ۱۳۱۹ خورشیدی (برابر با ۱۹۴۰ میلادی) در ۴۵۴ صفحه در استانبول منتشر شد. این اثر شامل بخش‌های زیر است: ۱- فهرست کتاب، ۲- مقدمه^۲ کتاب در ۱۴ صفحه، ۳- متن کتاب در ۳۹۳ صفحه، ۴- فهرست اعلام در ۱۲ صفحه، ۵- فهرست منتخب مبهّمات و موضوعات و اصطلاحات در ۲۲ صفحه، ۶- غلطنامه، ۷- اضافات و مستدرکات نسخه- بدل‌ها، ۸- مقدمه^۳ آلمانی اثر.

در مقدمه^۴ کتاب مطلبی درباره^۵ مؤلف، اثر، مسائل تاریخی مرتبط، متن الهی نامه و حوزه^۶ تاثیر پذیری آن از آثار پیشین و اثرگذاری آن بر آثار عرفانی ادوار بعد، و مسائلی از این دست وجود ندارد. این نکات بیشتر در آثار مصححان ایرانی به چشم می‌خورد و امروزه نیز به عنوان یک معیار در چاپ انتقادی متون دانسته می‌شود. البته ریتز در نوشته‌های دیگر خود به مانند کتاب دریای جان بخشی از تحقیقاتش را درباره^۷ عطار ارائه کرده است و عدم اشمال مقدمه^۸ او بر نکات مذکور، بر اساس تصمیم مؤلف بوده است. مطالب مقدمه^۹ فارسی همانند مطالب مقدمه^{۱۰} آلمانی ریتز است، و مستقیماً از معرفی نسخه‌ها آغاز شده و ۵ نسخه از اثر، معرفی گردیده اند. در معرفی نسخه‌ها، ریتز نام و نشان نسخه، مشخصات ظاهری نسخه، تاریخ کتابت، هنجارهای کلی نگارش متن (نکاتی مانند نگارش «که» به صورت «کی»، «چ» به صورت «ح»، قاعده^{۱۱} ذال مُعْجَمَه و...)، و ویژگی‌های خاص هر نسخه را بیان کرده است. اهمیت او به گزارش مشکلات و سامان دادن آشفتگی‌های اوراق دستنویس‌ها، محققانه است و در صفحات معرفی نسخه‌ها دیده می‌شود (عطار، ۱۹۴۰: بز، یح).

از نکات مهمی که ریتز در تصحیحات خود به آن پرداخته و نتیجه را نیز گزارش نموده است بحث تبار نسخه‌ها و رابطه^{۱۲} خانوادگی آن‌ها با یکدیگر است. در تصحیح الهی نامه، او توانسته است رابطه و تبار نسخه‌های مورد رجوعش را به جز در دیباچه^{۱۳} متن الهی نامه، مُعین کند (عطار، ۱۹۴۰: کج). بر اساس آنچه ریتز از تبار نسخه‌ها ترسیم نموده، اصل مشترک نسخه‌ها را تا حدودی می‌توان بازسازی نمود و او خود در چند مورد، درباره^{۱۴} اصل مشترک و البته مفقود نسخه‌ها حدس‌هایی زده است (عطار، ۱۹۴۰: کد). ریتز سپس به معرفی بیشتر نسخه^{۱۵} آياصوفیه به رمز A پرداخته و محاسن آن نسخه را برشمرده است (عطار، ۱۹۴۰: کد، که). او این دستنویس مورخ ۸۱۶ هجری قمری را به عنوان نسخه^{۱۶} اساس خود انتخاب نموده، در حالی که نسخه^{۱۷} دیگری از مجموعه نُسخ در دسترس او که با رمز F نشان داده شده است، مورخ ۷۲۹ می‌باشد. این انتخاب حاکی از آن است که معیار ریتز برای گزینش نسخه^{۱۸} اساس صرفاً قدمت تاریخی نبوده است. وی دلیل این نوع گزینش را چنین بیان داشته: "... و اگر این نسخه (F) را اساس گرفته و نسخه^{۱۹} A را کنار می‌گذاشتیم نه متن اصلی غیر مصحح شاعر را [بدون دُرُست کردن‌های دیگران] بدست آورده بلکه در بسیار جاها الفاظ غیر مفهومه در متن ثبت کرده میبودیم" (عطار، ۱۹۴۰: که). این جمله به معنای در نظر گرفتن مضبوط بودن نسخه، برای انتخاب آن به عنوان اساس نیز هست^{۲۰}.

مصحح در ادامه، از تصحیحات قیاسی اعمال شده در متن، سخن به میان آورده و بیان داشته که مواردی را که اشعار، در هیچ یک از نسخه‌ها دُرُست نبوده‌اند به روش قیاسی تصحیح نموده است. عبارت ریتز در این موضع چنین است: "در بعضی مواضع مانند ... [به صفحات و ابیات مورد نظر ارجاع داده]، روایت صحیح در هیچیک از نسخه‌ها

^۱ البته بر اساس تَبَعَاتِ دَکْتَرِ شَفِیعی کدکنی (عطار نیشابوری، ۱۳۹۲: ۲۴) می‌توان گفت که هیچ یک از نسخه‌های الهی نامه به قدری که بتوانند اساس یک تصحیح قرار بگیرند، ممتاز نیستند و بهتر آن است که در چنین شرایطی از شیوه^۲ التقاطی برای تصحیح بهره گرفته شود که البته نه ریتز و نه شفیع کدکنی از روش التقاطی استفاده نموده‌اند اما با گزارش نسخه‌بدل‌ها، عدم التزام به نسخه^۳ اساس را نشان داده اند.

موجود نبوده و بتصحیح قیاسی و حدسی مضطر شدیم" (عطار، ۱۹۴۰: کد). او دیگر توضیحی در این باره نداده است و بر اساس اجتهاد خود به نتیجه گیری درباره^۱ تحریف مفروض در اصل مشترک نسخه‌ها پرداخته است. شفیع کدکنی در بررسی خود با ذکر مثال‌هایی، غلط بودن تصحیحات قیاسی ریتزر را گوشزد نموده است (عطار نیشابوری، ۱۳۹۲: ۱۰۴) که این موضوع، نشان دهنده^۲ خطیر بودن استفاده از تصحیح قیاسی است و مصححان باید توجه داشته باشند که حتی در صورت آشنایی با یک متن به اندازه^۳ محقق چون ریتزر، همچنان باید دامنه^۴ استفاده از تصحیحات قیاسی را هر چه محدودتر بگیرند.

ریتزر در ادامه، معیار خود را برای اصالت ضبط کهنه‌تر بیان می‌دارد و چند نمونه هم ارائه می‌کند (عطار، ۱۹۴۰: کو) که هرچند این توضیحات درباره^۵ زبان عطار و عصر او غلط هستند (عطار نیشابوری، ۱۳۹۲: ۱۰۱) اما این موضوع، نشان دهنده^۶ روش مندی کار ریتزر است که خود را ملزم به مستدل ساختن فرضیات و روش تحقیقش می‌بیند. وی سپس به بررسی مجمل سایر نسخه‌ها و ویژگی‌ها و روابط آنان با یکدیگر پرداخته (عطار، ۱۹۴۰: کز) که گذشته از صحت و یا سقم مطالب، روش تحقیق او همچنان می‌تواند مورد استفاده قرار بگیرد.

مصحح پس از بیان نکات نسخه‌شناسیک، به توضیح رسم الخط چاپ خود که تابع نسخه^۷ A هست پرداخته و تغییرات رسم الخط را به نگارش «پ، چ» به صورت فارسی (یعنی با سه نقطه) و «گ» به صورت سرکش دار، منحصر دانسته است (عطار، ۱۹۴۰: که). مصحح سپس به اندازه^۸ نیمی از یک صفحه، به برتری حروف چینی در ترکیه نسبت به حروف چینی ایران و هندوستان و ارائه کردن مثال‌هایی از حروف چینی درست پرداخته است که نهایت دقت او را در مسایل فنی نشر کتاب، آیینگی می‌کند (عطار، ۱۹۴۰: کح).

یکی از ویژگی‌های مبرز ریتزر در تصحیح متون کهن، رعایت رسم الخط مرعی در نسخه‌هاست. در این متن (و در متن بعدی، یعنی سوانح احمد غزالی) می‌بینیم که برای نمونه قاعده^۹ ذال معجمه در متن رعایت شده است که ممکن است، یک ویژگی زبان مؤلف را نشان دهد و در این صورت می‌توان آن را بخشی از هدف تصحیح متون دانست. مصحح ضبط همه^{۱۰} نسخه‌ها را در پاورقی آورده و در مقدمه، به بیان دلیل فایده^{۱۱} گزارش کامل نسخه‌بدل‌ها پرداخته (عطار، ۱۹۴۰: کط). در بررسی متن، دقت فراوان ریتزر بر خواننده آشکار می‌گردد اما بر اساس گزارش مصحح (عطار، ۱۹۴۰: کخ) تنها در یک مقوله (ضبط‌های مربوط به اعداد عربی)، تفاوت نسخه‌ها در پاورقی گزارش نشده که این دوگانگی اندکی از روش علمی ریتزر به دور است.

در بررسی ۱۹۲ صفحه از ۴ موضع کتاب (به جز اواخر متن که دو نسخه افتادگی دارند و مبنای تصحیح، دو نسخه^{۱۲} دیگر بوده)، مشخص شد که مصحح در اوایل متن حدوداً در هر ۱۰ بیت، ۱ بار، یعنی ۱۰ درصد، و در اواسط متن ۲ برابر این مقدار یعنی حدوداً ۲۰ درصد از ضبط‌های مفرد یکی از نسخه‌ها (اغلب نسخه^{۱۳} A) و به ندرت دیگر نسخه‌ها (ها) استفاده کرده است و در سایر موارد، ضبط مورد توافق دو یا سه نسخه را به متن برده است. این در حالی است که نسبت به تعداد ابیات بخش‌های بررسی شده، مصحح در ۹۶ درصد متن از ضبط نسخه^{۱۴} اساس، پیروی نموده است. این نکته به معنای پایبندی ریتزر به روش نسخه-اساس و اعتماد به نسخه‌ای است که از سایر دستنویس‌ها مضبوط‌تر است و به عنوان اساس انتخاب شده است.

سازواره^{۱۵} انتقادی این اثر که در پایین صفحات آمده هنوز به انسجام و پختگی اثری چون تصحیح سوانح نیست. از مهم‌ترین نقایص^{۱۶} این قسمت از سازواره^{۱۷} انتقادی، ناهمگونی روش گزارش کردن بخشی از نسخه‌بدل‌هاست. در بسیاری از موارد، ضبط مختار به همراه رمز نسخه گزارش شده است و در بسیاری موارد دیگر نیز مشخص نیست که ضبط متن از کدام نسخه آمده. این موضوع باعث می‌شود که هم ضبط مورد پذیرش و هم ضبط‌های غیر قابل قبول از دید مصحح، در جایگاه مشابهی در بخش نسخه‌بدل‌ها قرار بگیرند که مشخص‌ترین زبان این دوگانگی، اتلاف وقت خواننده و ملال آور بودن مطالعه^{۱۸} طولانی این قسمت است. از دیگر ناهماهنگی‌های این قسمت، می-

^۱ البته ناقص نسبت به دقت ریتزر! وگرنه این سازواره با وجود نقایصی که مطرح خواهد شد همچنان بسیار مفید و عالمانه است.

توان به دوگانه بودن روش گزارش یک مصراع پذیرفته شده در متن اشاره کرد که گاه تنها ابتدا و انتهای مصراع گزارش شده و گاه به ذکر نسخه یا نسخه‌های حاوی آن ضبط کفایت شده است. مشکل دیگر سازواره^۱ انتقادی اثر این است که چون در خود متن از هیچ علامتی برای مربوط ساختن ضبط متن با نسخه‌بدل‌ها وجود ندارد، و تنها از روی شماره^۲ بیت و مصراع می‌توان نسخه‌بدل مربوط به هر ضبطی را یافت، در صورت تکرار یک واژه در یک مصراع، یافتن و ارتباط دادن متن و نسخه‌بدل دشوار است. اصولاً فهمیدن روش ریتز در ارائه^۳ نسخه‌بدل‌ها در ابتدا اندکی دشوار می‌نماید که البته با دقت و ممارست در متن، این دشواری از بین خواهد رفت.

ریتز در صورت نپسندیدن متن، حدس‌هایی زده که البته آنها را در حاشیه آورده است. او در این موارد، به تصحیح قیاسی دست نیازیده و البته فعل درستی انجام داده چراکه اغلب حدس‌های او غلط هستند. برخی از این حدس‌ها را بر اساس نسخه‌های موجود نزد ریتز می‌توان غلط دانست (عطار، ۱۹۴۰: ۳۶۳ بیت ۶)، و برخی دیگر را با استفاده از نسخه‌های بعداً دستیاب شده (عطار نیشابوری، ۱۳۹۲: ۳۷۴ بیت ۱۳). تصحیحات قیاسی ریتز در سطح واژگان و ابیات نیز به همان تعداد اندکی که در مقدمه^۴ ریتز ذکر شده محدود می‌شوند. باید توجه داشت که هرچند هیچ کدام از این تصحیحات درست نیستند اما این کم شمار بودن آنها مزیتی برای متن است و نشان از احتیاط علمی ریتز دارد.

متن الهی‌نامه^۵ مصحح ریتز شامل ۳ بخش پسامنتی است که پس از پایان متن از صفحه^۶ ۳۸۵ تا ۳۹۵ آمده و شامل ابیات برگزیده از روایت دوم دیباچه^۷ الهی‌نامه^۸، در آغاز الهی‌نامه، و قسمتی^۹ "فی نعت النبی" است. روایت دوم آغاز الهی‌نامه در چاپ ریتز ۱۱۰ بیت و در چاپ شفیع کدکنی ۱۵۶ بیت دارد که منقول از نسخه‌های قدیمی است. ریتز دلیل این تلخیص را مشخص نکرده و اگر نسخه^{۱۰} F ۱۵۶ بیت مذکور را داشته باشد، حذف حدود ۴۶ بیت چندان منطقی یا مفید نیست. بخش دیگر، ۸۳ بیت از آغاز الهی‌نامه است که ریتز آن را الحاقی تشخیص داده و شفیع کدکنی هم نظری مشابه در این باره دارد (عطار نیشابوری، ۱۳۹۲: ۶۶). بخش سوم ملحقات چاپ ریتز در حقیقت تذکر وجود ابیاتی فی نعت النبی صلی الله علیه و آله و صحبه و سلم، در نسخه‌های F و B است. نسخه^{۱۱} F بنا بر نوشته^{۱۲} ریتز در اینجا ۳۳۲ بیت دارد که ابیات آغازین و پایانی آن در کتاب نقل شده است. نسخه^{۱۳} B هم در این موضع ۱۷ بیت دارد که بیت‌های آغاز و پایان آن نقل گردیده. هرچند دشواری‌های نشر کتاب در ۸ دهه^{۱۴} پیش را نباید از یاد برد اما نظر به اهمیت نسخه^{۱۵} F بهتر آن بود که تمام ابیات آن نقل می‌شد.

نخستین فهرست پسامنتی کتاب، فهرست اعلام است که در ۱۲ صفحه اعلام اشخاص و اماکن را ارائه کرده است. در این فهرست، اعلام بر اساس عنوان حکایت، شماره^{۱۶} صفحه^{۱۷} و شماره^{۱۸} بیت تدوین شده اند که بازبایی آنها را بیش از حالت گزارش صرف شماره^{۱۹} صفحه و بیت، آسان کرده است. فهرست بعدی نوعی فهرست تحلیلی متن بوده که از کارآمدترین فهرس برای یافتن موضوعات کلی متن کتاب است. عنوان این بخش، "فهرست منتخبات مبهّمات و موضوعات و اصطلاحات متن لفظاً و معنی" است که ریتز در آن، واژگان کلیدی، اصطلاحات ادبی و تاریخی و عرفانی، نام اشیا و جانداران، درونمایه^{۲۰} داستان‌های مهم متن، و هر واژه^{۲۱} دیگری را که به نظر مصحح برای مخاطبان اثر می‌توانسته مهم باشد، از متن استخراج کرده است. تدوین این گونه فهرس هرچند ممکن است در کنار نیاز به داشتن اشراف به موضوع متن و دانستن بسیاری از سوالات احتمالی خوانندگان، زمان فراوانی هم از مصحح بگیرد ولی می‌تواند زمینه ساز پژوهش‌های پرشماری، شاید به تعداد مدخل‌های فهرست، گردد و از این نظر برای تحقیقات بعدی بسیار راهگشاست. در همین بخش تردیدهایی از جانب ریتز درباره^{۲۲} برخی اصطلاحات به کار رفته در متن قابل مشاهده است که مثلاً عبارت وحدت وجود را در گروه قرار داده (عطار، ۱۹۴۰: ۴۲۹) و این تردید او کاملاً

۱) درباره^۱ این روایت دوم آغاز الهی‌نامه که در چاپ دکتر شفیع کدکنی در متن قرار گرفته، و به نظر او اصیل نیست، توضیحات جامعی در چندین بخش از مقدمه^۲ چاپ وی آمده است (عطار نیشابوری، ۱۳۹۲: ۶۳-۷۱).

به‌جاست (عطار نیشابوری، ۱۳۹۲: ۳۷)^۱. غلظت‌نامه^۲ کتاب نیز با اشاره به صفحه و مصراع مورد نظر، گونه^۳ درست واژه یا عبارت را ارائه کرده که نشان از دقت مصحح و عوامل چاپ دارد. بخش بعدی اثر، نسخه‌بدل‌های مربوط به نسخه^۴ B است که عمده^۵ موارد اختلاف با نسخه^۶ F را در بر دارد و در مواردی هم هماهنگی و اختلاف نسخه^۷ B با سایر نسخه‌ها گزارش شده است. از آنجا که این نسخه دیر هنگام به دست ریتزر رسیده است، در گزارش نسخه‌بدل‌های این دستنویس در انتهای کتاب، نکته‌ای بر مصحح نمی‌توان گرفت اما چون که این نسخه‌بدل‌ها جدای از متن آمده‌اند چندان در دسترس منتقد و یا خواننده قرار نمی‌گیرند و بهره‌وری چندان ندارند. به هر صورت گزارش ضبط‌های یک نسخه، از نبودن آن مفیدتر است. قسمت پایانی کتاب هم مقدمه^۸ آلمانی ریتزر است که مطابق با مقدمه^۹ فارسی اوست و بررسی آن ضرورتی ندارد.

۲. سوانح

ریتزر، متن مصحح سوانح احمد غزالی را در سال ۱۹۴۲ (۱۳۲۱ خورشیدی) در استانبول، در سلسله متون النشريات الاسلامیه منتشر کرده است. اجزای کتاب به غیر از صفحات اولیه و عنوان این‌ها هستند: متن کتاب در ۱۰۵ صفحه، و مقدمه^{۱۰} آلمانی کتاب در کمتر از ۷ صفحه. این چاپ هیچ‌گونه تعلیقات یا فهرستی ندارد. پس از اشاره‌ای کوتاه به نام و دوره^{۱۱} حیات مؤلف و نیز نام کتاب، ریتزر مقدمه را با ذکر اصالت و تاثیرگذاری سوانح آغاز می‌کند. وی با بیان این که در ادبیات جهان اسلام، متون دیگری نیز درباره^{۱۲} موضوع این کتاب (یعنی عشق) نوشته شده، این اثر احمد غزالی را یکی از اصیل‌ترین و تاثیرگذارترین تک‌نگاری‌ها درباره^{۱۳} عشق، و همچنین نمونه-ای ملموس از نوشته‌های پیرامون عشق می‌داند (غزالی، ۱۹۴۲: I) اما درباره^{۱۴} معیار اصالت و تاثیرگذاری مورد نظرش چیزی بیان نکرده است و شاید موضوع را بدیهی پنداشته. ریتزر در ادامه به تبیین مسائلی عمده که در متن کتاب وجود دارند، پرداخته (دوقطبی عشق مجازی-عشق حقیقی، جایگاه معشوق و...) (غزالی، ۱۹۴۲: I) و نیز افزوده است که تأثیر یک محبوب زمینی در شکل‌گیری این اثر هویداست و برای اثبات مدعای خویش به فقراتی از متن اشاره می‌کند که در آنجا، مؤلف، ماجرای درخواست یک دوست را جهت تألیف کتاب بیان داشته است (غزالی، ۱۹۴۲: ۲، ۳، ۱۰۶). مصحح در این باره توضیح بیشتری نداده است اما به صورت کلی این اظهار نظر، چندان دقیق نمی‌نماید^{۱۵}. در ادامه^{۱۶} همین بحث به نظر می‌رسد که ریتزر می-خواسته آراء غزالی را، نه جزئی از آراء رایج نزد عرفا، و نه مشابه آراء مادی کسانی چون ابن حزم بدانند (غزالی، ۱۹۴۲: II). با مطالعه^{۱۷} متن نیز می‌توان دانست که غزالی در شروع فصول کتاب از عشق زمینی سخن می‌گوید و سپس به تأویلات عارفانه می‌پردازد. مصحح سپس برای تبیین نظرگاه غزالی و مستدل ساختن آراء خود، نکاتی از دیدگاه‌های متفاوت ابن حزم و غزالی را بیان کرده است و این موضوع، یعنی اینکه تحلیل ریتزر محدود به یک موضوع مرکزی نیست و برای تبیین مباحث از نقطه نظر مخالف نیز بهره برده، علاوه بر بررسی دقیق‌تر موضوع، می-تواند در زمره^{۱۸} یکی از کارآمدترین روش‌های استدلالی در ارائه^{۱۹} مطلب باشد و از این منظر هم شایان توجه است. ریتزر آنجایی که به تبیین دیدگاه غزالی پرداخته (غزالی، ۱۹۴۲: III)، گزاره‌هایی را نقل می‌کند که برگرفته از منابع کهن (مانند فتوحات مکیه و الهی‌نامه) هستند و نیز برای تکمیل بحث درباره^{۲۰} آن عقیده^{۲۱} رایج عرفا که جمال حق را می‌توان در زیبایی بشر جست، پاورقی طولانی‌یی به اندازه^{۲۲} یک صفحه ارائه کرده است (غزالی، ۱۹۴۲: II).

مصحح در ادامه^{۲۳} مقدمه، به بیان مسائل مربوط به تصحیح پرداخته است. وی به نامناسب بودن روایت کنونی متن (یعنی متن مصحح ریتزر) و دشواری کار بر روی این اثر کم‌حجم اشاره‌ای کرده است و در ادامه برخی از این دشواری‌ها را گزارش نموده (غزالی، ۱۹۴۲: IV). در این‌گونه موارد که مصحح، ضبط متن را پس از اعمال تصحیحات مبتنی بر نسخه‌ها نمی‌پذیرد، می‌تواند بر اساس ضوابط علمی، دست به تصحیح قیاسی بزند و با اجتهاد

^۱ شاید همچنین باشد درباره^۲ ظهور، یعنی پیدایی حق تعالی (عطار، ۱۹۴۰: ۴۲۱)

خود، متن را به صورت اصلیش نزدیک‌تر سازد لکن ریتز چنین نکرده و به همان تصحیح متن بر اساس نسخه‌ها و ارائه^۴ نسخه‌بدل‌ها اکتفا کرده است.

مصحح بیان می‌دارد که در چاپ او که با مقابله کردن و بررسی نمودن پی‌درپی فراهم آمده، ضبطی از روایت‌های نسخه‌های مورد رجوع او فوت نشده است که البته در موارد معدودی این چنین نیست و در بررسی متن به آن خواهیم پرداخت. او فایده^۵ این چاپ را برای خواننده، باز بودن عرصه^۶ مشارکت در انتخاب ضبط مناسب متن، بر اساس نمایی کلی از نسخه‌های شناخته شده می‌داند و سپس به معرفی^۶ نسخه^۶ مورد استفاده^۶ خود پرداخته است که با رمزهای O, N, F, K, A و P مشخص شده اند.

ریتز در بخش معرفی نسخه‌ها مشخصات ظاهری نسخه، اعم از تعداد اوراق و اندازه^۷ آن‌ها، تاریخ کتابت، نشانی نسخه و محل نگهداری آن، و نیز توضیحاتی پیرامون ویژگی‌های نسخه بیان نموده است (غزالی، ۱۹۴۲: IV, VI). وی در پایان معرفی نسخه‌های مورد استفاده، به یک نسخه^۸ دیگر محفوظ در کتابخانه^۸ بادلین (Bodleian) اشاره می‌کند که به علت متأخر و ناقص بودن در عداد نسخ^۸ مورد رجوع او نبوده است.

از دشواری‌هایی که می‌توان آن را معلول آمیختگی نسخه‌ها دانست، یکی مشخص نبودن خویشاوندی نسخه‌هاست که مصحح به ذکر کلیاتی از روابط آنها بسنده کرده و اعلان داشته است که روابط تباری نسخه‌ها، قابل بررسی نیست (غزالی، ۱۹۴۲: VI). اهتمام به روشن کردن وضعیت خویشاوندی نسخه‌ها یکی از نکات مثبت تصحیحات ریتز است که به مخاطب، دید وسیع و قابل اعتمادی برای بررسی وضعیت دستنویس‌ها و موفقیت تصحیح ارزانی می‌دارد. مصحح در بیان یکسان نبودن مشکلات نسخ^۹، به عنوان مثال گفته است که در پاره‌ای از موارد، اشعاری وجود دارند که چون متن را در میان یک جمله (به صورت نابه‌جا) قطع می‌کنند، به راحتی می‌توان آن‌ها را از الحاقیات ادوار بعدی دانست. البته تشخیص همه^{۱۰} موارد فساد نسخه‌ها چنین آسان نیست و مثلاً در موردی که یک بیت از یک رباعی قوی، و بیت دیگر سست است، کار مصحح دشوار است؛ و نیز موضعی که در ابتدای کتاب، مؤلف سبب تألیف را بیان می‌کند، تنها در نسخه^{۱۱} N هست و علی‌رغم مفرد بودن روایت، در اصالت آن به سختی می‌توان تردیدی روا داشت. از بیان تمام این جملات می‌توان دانست که ریتز در تصحیح موارد مشکوک متن، بیشتر به سیاق متن اعتنا می‌کرده تا قرائن نسخه‌شناسیک. قطع شدن نامتناسب متن به دلیل وجود اجزایی که به زعم او الحاقی هستند، سست بودن یک بیت از یک رباعی، و آوردن ضبط مفرد یک نسخه در متن، همه نشان دهنده^{۱۲} اصالت قرائن غیر صوری نزد مصحح هستند که درباره^{۱۳} هر یک از موارد یاد شده باید نکاتی را یادآور شد: این که شعری در جای نامتناسبی نظم متن را بر هم زده می‌تواند یک اشتباه و جابه‌جا نویسی از جانب کاتب و یا نمایان‌گر افتادگی مطالب پیش یا پس از آن شعر باشد و لزوماً به معنای افزوده شدن آن در ادوار بعدی نیست. درباره^{۱۴} سست بودن یک بیت باید یادآور شد که برای تشخیص فخیم یا سست بودن یک بیت، همواره نمی‌توان از سنجهای ثابت استفاده کرد و حتی این موضوع نمی‌تواند به تنهایی ملاک اصالت قرار بگیرد و باید در کنار دلائل نسخه‌شناسیک به عنوان قرینه‌ای مؤید به کار گرفته شود. درباره^{۱۵} آخرین مطلب مورد بحث نیز باید بگویم که آوردن ضبط مفرد در متن، تنها تحت شرایط خاص نسخه‌شناسانه و یا در صورت تشخیص غلط مسلم سایر نسخ^{۱۶} و صحت واضح ضبط مفرد، منطقی است و نمی‌توان تنها به دلیل متناسب بودن، یک ضبط مفرد را به متن راه داد، چرا که بسیاری از ضبط‌های مفرد «متناسب» در واقع مطالب الحاقی-ایضاحی دیگران هستند و اصیل دانستن آن‌ها امری خطیر است. البته شرایط نامطلوب روایت نسخه‌های ریتز، میل کردن او را به سمت سنج‌های مذکور توجیه می‌کند و تنها با پیدا شدن دستنویس یا دستنویس‌هایی موثق‌تر از آنچه در اختیار مصحح بوده، می‌توان صحت این معیارها را سنجید.

ریتز در بخش پایانی مقدمه، نکاتی درباره^{۱۷} روش ثبت نسخه‌بدل‌ها بیان نموده است و درباره^{۱۸} بهره‌گیری از منابع جنبی در امر تصحیح سخن رانده است. وی با بیان بی‌فایده بودن توضیحات نسخه^{۱۹} N (و تردید در این که محشی نسخه اصلاً منظور غزالی را می‌فهمیده) و استفاده^{۲۰} محدودی که از لوايح عين القضاات کرده (به دلیل نقل به مضمون

از سوانح و نه نقل قول مستقیم) خاطر نشان می‌سازد که در بسیاری از موارد، هم حاشیه^۴ نسخه^۵ N و هم عبارت عین‌القضات را در پاورقی آورده است. آخرین نکته^۶ مقدمه اشاره به ترجمه‌ای است (به احتمال فراوان به زبان آلمانی) که ریتر نشر آن را به بررسی بیش‌تر و فهم عمیق‌تر متن موکول کرده است. متن کتاب با حروف خوانا، در بخش‌بندی‌های متناسب و با شماره گذاری هر بند در هر فصل چاپ شده است و سطرشمار نیز در هر فصل کتاب از نو آغاز می‌شود. در این گونه سطرشمار علاوه بر آنکه می‌توان هر بخش از متن را با ذکر شماره^۷ صفحه و شماره^۸ سطر به آسانی پیدا کرد، ارجاع به شماره^۹ فصل و سطر مورد نظر نیز ممکن است. شاید به جز آسان شدن ارجاع، یکی از فواید این نوع شماره گذاری، تسهیل مرتبط ساختن تعلیقات، به متن کتاب است که البته، متأسفانه این متن تعلیقاتی ندارد.

نخستین موضوعی که در مواجهه با متن جلب نظر می‌کند، رعایت قاعده^{۱۰} ذال مُعْجَمَه است که عمده^{۱۱} در یکسان سازی و آسان سازی رسم‌الخط^{۱۲} متون، از دید خواننده پنهان می‌ماند. به نظر می‌رسد که این پایبندی به رسم‌الخط^{۱۳} کهن فارسی در سایر اجزای متن نیز رعایت شده باشد. روش ارائه^{۱۴} نسخه‌بدل‌ها هم به گونه‌ای است که نیازی به ثبت شماره یا علامت در متن نیست و از این نظر، متن برای خوانندگانی که نیازی به نسخه‌بدل ندارند هم مناسب است.

از بررسی ۸۱ صفحه از آغاز و میانه و پایان متن می‌توان دانست که مصحح^{۱۵} در اغلب موارد به گواه نسخه‌بدل‌ها به ضبط^{۱۶} مورد توافق اغلب نسخه‌ها اعتماد کرده است. از میان حدود ۲۰۰۰ نسخه‌بدل ثبت شده در پایین صفحات، ۶۱۹ مورد یعنی حدود ۳۱ درصد از ضبط‌های گوناگون متن بر اساس توافق نسخه‌ها تصحیح شده است. این در حالی است که شمار بهره‌گیری از ضبط‌های مفرد در همین صفحات ۲۰۸ مورد یعنی حدود ۱۰ درصد از تعداد کل نسخه‌بدل‌هاست. از میان شش نسخه^{۱۷} مورد استفاده برای تصحیح، ضبط‌های مفرد نسخه‌های N و A بیش از سایر نسخه‌ها مورد توجه بوده و به ترتیب، حدود ۳۵٫۵ و ۳۴ درصد از همه^{۱۸} ضبط‌های مفرد را تشکیل داده‌اند. نسخه‌های F با کم‌تر از ۱۸ درصد، نسخه^{۱۹} K با حدود ۸٫۵ درصد، و نسخه‌های O و P با کمتر از ۲ درصد در گزینش ضبط‌های مفرد مورد رجوع بوده‌اند. پورجوادی که این نسخه‌ها درجه بندی کرده، دسته‌بندی‌یی کاملاً مطابق بر آمار بالا انجام داده است (غزالی، ۱۳۵۹: نوزده). درباره^{۲۰} صحت^{۲۱} ضبط‌های مفرد متن باید گفت که تقریباً نیمی از این ضبط‌ها بر اساس چاپ مجاهد از سوانح که نسخه^{۲۲} اساس آن مورخ ۶۵۹ هجری قمری و کهن‌تر از اساس چاپ ریتر است، صحیح بوده و نیم دیگر نادرست و یا به علت تفاوت متن دو نسخه غیر قابل بررسی هستند. در بیشتر مواردی که ضبط^{۲۳} مفرد یک نسخه^{۲۴} درست به نظر می‌رسد، در حقیقت ریختی کهن‌تر را عرضه می‌کند، و این خود نمایان‌گر قانون عمومی برتری ضبط^{۲۵} دشوار است (مثلاً غزالی، ۱۹۴۲: ۱۳ سطر ۲ ضبط متعلق به نسخه^{۲۶} N) و در بیش‌تر مواردی که ضبط^{۲۷} مفرد راه یافته به متن، تأیید نمی‌شود یا بر خلاف این قاعده^{۲۸} کلی است و یا با ضبط^{۲۹} اغلب نسخه‌ها نمی‌خواند. درباره^{۳۰} اشعاری که به نظر مصحح^{۳۱} الحاقی بوده‌اند باید یادآوری کرد که از ۷ مورد شعری که در پنج نسخه از شش نسخه^{۳۲} مورد رجوع ریتر بوده و او آن‌ها را به حاشیه برده، هیچ یک در چاپ مجاهد نیز به متن نیامده‌اند.

ریتر در چاپ خود از تصحیح قیاسی هم بهره برده، به گونه‌ای که در بررسی ۸۱ صفحه از متن، ۴۸ مورد تصحیح قیاسی دیده می‌شود که اغلب آن‌ها با توجه به مشترکات ضبط^{۳۳} نسخه‌ها انجام شده است. نرخ این تصحیحات قیاسی در کل پاورقی‌ها حدوداً ۲٫۵ درصد است.

گزارش نسخه‌بدل‌ها در این اثر در پاورقی کتاب آمده است و با دقتی درخور توجه، همه^{۳۴} ضبط‌های هر شش نسخه^{۳۵} مورد بررسی و استفاده^{۳۶} ریتر را، به علاوه^{۳۷} حاشیه^{۳۸} نسخه^{۳۹} K و ضبط‌های مهم لویح عین‌القضات دربر دارد. نظر به آن که متن، به صورت اصلی و نهایی خود نرسیده است، مصحح^{۴۰} با این نوع ارائه^{۴۱} نسخه‌بدل‌ها موفق شده که علاوه بر نتیجه^{۴۲} اجتهاد خود، ضبط^{۴۳} تمام نسخه‌ها را نیز در معرض داوری خواننده قرار دهد و این امر می‌تواند به صورت یک معیار در تصحیح این دست متون دربیاید؛ یعنی آنگاه که متن مصحح^{۴۴}، به صورتی نزدیک به متن

اصلی در نیامده است، می‌بایست با ارائه^۴ تمام نسخه‌بدل‌ها راه نقدِ متن را بر مخاطبان گشود. ناگفته نماند که تعداد معدودی پاورقیِ ایضاحی در متن دیده می‌شود که با یک خط افقی از نسخه‌بدل‌ها جدا شده‌اند. در بررسیِ بخشِ مربوط به گزارشِ نسخه‌بدل‌ها دیده می‌شود که ضبطِ مصراع‌های یک بیت به صورتِ مُجَزَّأ ارائه شده و هر مصراع با حرفِ *a* یا *b* مشخص شده است.^۱ در این بخش از سازواره^۲ انتقادی اثر، افتادگی هر یک از نُسخِ بسته به کوتاهی یا بلندی ضبط به دو صورتِ کُلی، و یا موردی بیان گردیده است. نیز ضبط‌های یکسان با متن نیز به دو صورت بیان شده‌اند: یکی آن‌که نسخه‌های هماهنگ با متن هم معرفی شده‌اند و یکی دیگر آن‌که تنها به ذکرِ رمز نسخه‌های ناهم-خوان با متن اشاره شده است. به نظر می‌رسد این دوگانگی از وحدتِ روشِ تحقیق می‌کاهد و در مواردی باعث سردرگمی و اتلافِ وقتِ خواننده می‌شود (مثلاً جایی که افتادگیِ طولانیِ نسخه‌ای، یک بار بیان شده و در صفحاتِ آتی به دلیل این افتادگی اثری از رمز آن نسخه در پاورقی نیست، بدون آنکه آن فقره^۳ ایضاحی مربوطه پیش چشم خواننده باشد). مصحح در مقدمه گفته است که چیزی از ضبط نسخه‌ها نیست که در سازواره^۴ انتقادی کتاب نیامده باشد. به نظر می‌رسد در مواردی ضبطِ بعضی از نسخه‌ها از سازواره فوت شده است (غزالی، ۱۹۴۲: ۲۴ موارد پایانی که ضبط نسخه^۵ *P* دیده نمی‌شود، غزالی، ۱۹۴۲: ۶۰ سطر ۱۷ که ضبط ۳ نسخه نیامده). البته این موارد به ندرت دیده می‌شود و می‌توان آنها را نادیده انگاشت. نکته^۶ دیگری هم که دیده می‌شود عدول از یک قراردادِ کُلی در بخشِ سازواره^۷ انتقادی است که در آن هر چیزی که پیش از علامتِ دونقطه (*colon*؛ ‘:’) بیاید ضبطِ مختار مصحح است که در متن جای گرفته، اما عدول از این قاعده هم در متن دیده می‌شود (غزالی، ۱۹۴۲: ۷ سطر ۱۷ شعر عربی). از سایر جهات، نسخه‌بدل‌ها بسیار دقیق ذکر شده‌اند به گونه‌ای که در مواردی، ضبط بی‌نقطه^۸ واژگان هم ارائه شده است (غزالی، ۱۹۴۲: ۳، ۸۱، و...) و حدسیاتِ مصحح نیز که بیشتر به دلیلِ مضبوط نبودن نسخه‌ها، نادرست هستند^۹ در میان نسخه‌بدل‌ها ذکر شده‌اند (غزالی، ۱۹۴۲: ۲۳، ۵۹، ۸۲ و...).

در پایان تکرار کرد که کتاب، هیچ فهرستی حتی فهرست مندرجات و هیچ تعلیقات و حاشیه‌ای ندارد که مورد بررسی قرار بگیرد و این یکی از ضعف‌های این چاپ است.

نتیجه گیری

با بررسی دو اثر از هلموت ریتز کمتر نکته‌ای می‌توان به روش تصحیح او گرفت. مقدمه‌هایی که ریتز بر این دو اثر نگاشته، بیشتر بر مسائلِ نسخه‌شناسیک و تصحیحِ متن متمرکز هستند. مباحثِ مرتبط با مؤلف و اثر، در مقدمه‌های ریتز جایی ندارند. البته با تألیف کتاب دریای جان، ریتز بخشی از پژوهش‌های خود را درباره^{۱۰} الهی‌نامه ارائه نموده ولی درباره^{۱۱} سوانح، متأسفانه گویا ترجمه^{۱۲} موعود هرگز نوشته نشده است اما در همان مقدمه نکاتی تحلیلی و تطبیقی درباره^{۱۳} متن ارائه گردیده.

مصحح در معرفی نسخه‌ها و دسته بندی آنها به جد کوشیده و شرایط هر دستنویسی را پیش چشم خواننده آورده است. مخصوصاً در جستجوی تبار نُسخ و ارتباط آنها با یکدیگر، توجه مصحح هنوز هم کم‌مانند است. این توجه به تبار نسخه‌ها را در آثار سایر پژوهشگران آلمانی حوزه^{۱۴} تصحیح انتقادی متن نیز می‌توان دید (Maas, 1958: 5) و (West, 1973: 40).

ریتز در تصحیحات خود بیش از سایر مصححان به رسم الخطِ نُسخ کهن وفادار مانده. شاید اینکه فارسی، زبان مادری مصحح نبوده، در این تصمیم مؤثر بوده باشد اما باید توجه داشت که چشم پوشی از رسم الخطِ دستنویس‌ها،

^۱ معنای این نشانه‌ها در جایی توضیح داده نشده است که البته پی بردن به آن چندان دشوار نیست.

^۲ از ۱۲ مورد حدسی که با قید "عله" در میان نسخه‌بدل‌ها آمده از روی چاپ مجاهد، ۷ مورد غلط، ۳ مورد درست و ۲ مورد هم نامعلوم هستند.

که متأسفانه امروزه فراگیر شده، درست بر خلاف منطق تصحیح متون است^{۲۰}. همچنین ریتر به مسائل فنی چاپ، و کارآمد بودن شیوه^{۲۱} صفحه آرایی نیز توجه داشته است.

معیار برتری نسخه و ضبط آن نزد ریتر، صرفاً قدمت دستنویس نبوده است و به نظر می‌رسد که صحت ضبط، بیشتر مورد توجه مصحح بوده باشد؛ به گونه‌ای که در تصحیح التقاطی سوانح غزالی، این عامل بیش از معیارهای دیگر (مانند ضبط مورد توافق اغلب نسخ) برای انتخاب ضبط متن، به کار رفته است. البته ریتر سایر قواعد تصحیح متن را، به مانند برتری ضبط دشوار، در نظر داشته است.

به جز روشی که در آثاری چون شاهنامه^{۲۲} مصحح خالقی مطلق، و یا حافظ به سعی سایه به کار گرفته شده و هر یک مزایای خاص خود را دارند، گزارش نسخه‌بدل‌ها در هیچ متنی به کمال روش ریتر نیست. نسخه‌بدل‌ها اگر به روش او گزارش شوند، بسیار کم حجم، منظم، و با استفاده^{۲۳} حداکثری از نشانه‌های قراردادی^{۲۴} خواهند بود. با اصلاحاتی اندک می‌توان در تصحیح متونی که دستنویس‌های فراوانی نداشته باشند، از روش ریتر برای گزارش نسخه‌بدل‌ها بهره برد. در پاورقی آثار مصحح ریتر، به جز نسخه‌بدل‌ها، نکات ایضاحی و بعضاً حدسیات مصحح درباره^{۲۵} ضبط نسخه‌ها هم به چشم می‌خورد که البته با خطی افقی از متن جدا شده اند.

ریتر در تصحیح به روش نسخه-اساس به خوبی (بیش از ۹۰ درصد) به روش خود و نسخه^{۲۶} اساس خود پایبند بوده. در این روش به صورت میانگین در ۱۵ درصد از مواضع متن، از ضبط مفرد (که اغلب نیز متعلق به نسخه^{۲۷} اساس هستند) استفاده شده است. در روش التقاطی همان‌گونه که گفته شد، صحت ضبط و سیاق کلام، راهبر اصلی ریتر در تصحیح متن بوده است. در ۳۱ درصد از نسخه‌بدل‌های گزارش شده، از ضبط مورد توافق اغلب نسخ استفاده شده و در ۱۰ درصد هم ضبط مفرد دستنویس‌ها به متن راه یافته است. آنگاه که روش نسخه-اساس برای تصحیح متن اختیار شده، تصحیحات قیاسی معدود هستند و زمانی که متن با روش التقاطی تصحیح شده، نرخ تصحیحات قیاسی به ۲۰٫۵ درصد می‌رسد. مصحح از تصحیح قیاسی متن در سطح کلان، احتراز داشته است و روایت نه‌چندان دلپذیری از متن را به روایتی که پس از تصحیح قیاسی در سطح کلان به دست می‌آید، ترجیح داده است. در تصحیح متن، عنداللزوم از منابع خارجی (منابع گهنی به جز متن) نیز با رعایت احتیاط بهره برده شده است.

تصحیحات ریتر تعلیقاتی ندارند و فهرس آنها نیز، در صورت وجود، منحصر در فهرست اعلام است اما در الهی‌نامه یک فهرست تحلیلی بدیع و کارگشا در پایان متن آمده که شایسته است این گونه فهرس در روند تهیه^{۲۸} چاپ‌های انتقادی، با جامعیت هرچه بیشتر تدوین شوند.

پی‌نوشت‌ها

• در تمام طول تاریخ ادبیات جهان اسلام، می‌توان نمونه‌های فراوانی را دید که در آن، مولفان، اثر یا آثاری را بنا به درخواست مریدان و شاگردان و دوستان خود تألیف نموده‌اند و اصولاً نگارش یک اثر برای اجابت خواهندگان و تذکر این موضوع در آغاز نوشته، علاوه بر اینکه یکی از سنت‌های تألیف در جهان اسلام است، می‌تواند نشان دهنده^{۲۹} عوامل ذهنی و روانی مؤلف نیز باشد، لکن نباید آن را بدون دلیل و قرینه‌ای استوار به نگرش عاشقانه^{۳۰} مؤلف مربوط دانست. مضافاً با مطالعه^{۳۱} متن کتاب سوانح هم نمی‌توان به نتیجه‌ای مشابه نظر ریتر رسید.

•• با نظر به شمارگان کتاب‌های تخصصی حوزه^{۳۲} فرهنگ، امروزه می‌توان گفت که مخاطب این آثار، تنها قلیلی از دانش‌پژوهان هستند. مفید بودن نظرگاهی که سهولت خوانش را به حفظ رسم الخط نسخه‌ها ترجیح می‌دهد، باید در بررسی‌های میدانی آزموده شود.

۱) همان‌گونه که گفته شد اگر مصحح پس از تصحیح متن بر اساس نسخه‌ها، روایت به دست آمده را همچنان نیازمند تصحیحات بیشتر ببیند، می‌تواند بر اساس ضوابط علمی، در سطح کلان (در تمام متن)، به تصحیح قیاسی دست بزند. این نوع تصحیح، در ویرایش دوم شاهنامه^{۳۳} مصحح دکتر خالقی مطلق (چاپ سخن) دیده می‌شود.

●●● به نظر می‌رسد که ارائه^۴ نسخه‌بدل‌ها هرچه مکانیکی‌تر صورت بگیرد کارآمدتر و یکدست‌تر خواهد بود. سخن گفتن با مخاطب در این بخش سرعت بررسی مطالب و انتقال از متن به نسخه‌بدل را می‌کاهد.

منابع

امیدسالار، محمود؛ «تاریخچه بی‌از تصحیح متن در مغرب زمین و در میان مسلمین»، آئینه میراث، سال چهارم، شماره ۳۳ و ۳۴، ۱۳۸۵؛ ۷ تا ۳۲

رسولی، سید پدرام. (۹۶-۱۳۹۵). *پژوهشی نمونه‌ای و تطبیقی در روند تصحیح متون ادبی فارسی از محمد قزوینی تا جلال خالقی مطلق*. کارشناسی ارشد. تهران: دانشگاه تهران

رسولی، سید پدرام. «بررسی سه چاپ انتقادی تاریخ بیهقی با تمرکز بر مسائل مربوط به تصحیح متن». لوح فشرده^۵ مجموعه مقالات چهارمین همایش متن پژوهی ادبی نگاهی تازه به متون تاریخی - ادبی، جلد چهارم، ۲۹۱ تا ۳۱۴
زرین کوب، عبدالحسین؛ *نقد ادبی*؛ چاپ سوم، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۱

سوری، محمد؛ «شیوه‌سازواره انتقادی در تصحیح نسخه‌های خطی»، پژوهش، سال دوم، شماره اول، ۱۳۸۹؛ ۲۷ تا ۳۸

عطار نیشابوری، فریدالدین؛ *الهی‌نامه*؛ مقدمه تصحیح و تعلیقات محمدرضا شفیعی کدکنی؛ چاپ ششم، تهران: سخن، ۱۳۹۲
عطار، فریدالدین؛ *الهی‌نامه*؛ بتصحیح هلموت ریتز؛ استانبول: مطبعة معارف، ۱۹۴۰

غزالی، احمد؛ *سوانح*؛ با تصحیحات جدید و مقدمه و توضیحات نصرالله پورجوادی؛ چاپ اول، تهران: بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۹

غزالی، احمد؛ *سوانح*؛ بتصحیح ه. ریتز؛ استانبول: مطبعة معارف، ۱۹۴۲

غزالی، احمد؛ *سوانح*؛ به اهتمام احمد مجاهد؛ چاپ پنجم، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۹۴

مایر، فریتس؛ «حیات علمی هلموت ریتز»، ترجمه مهرآفاق بایبوردی، کتاب ماه ادبیات و فلسفه، شماره ۶۸، ۱۳۸۲؛ ۵۰ تا ۵۵

Maas, Paul, *Textual Criticism*, translated from German by Barbara Flower, Oxford: Clarendon Press, 1958

West, Martin L., *Textual Criticism and Editorial Technique*, 1st edition, Wiesbaden: B. G. Teubner Stuttgart, 1973